

## « زن و مطالعات خانواده»

سال هفتم - شماره بیست و نهم - پاییز ۱۳۹۴

ص ص: ۲۲-۷

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۱۷

## استرس والدگری و اثر تعاملی مراحل چرخه زندگی خانواده زنان شاغل و غیرشاغل شهر تهران

ابراهیم نعمتی<sup>۱</sup>

علی زاده محمدی<sup>۲</sup>

جلیل فتح آبادی<sup>۳</sup>

حامد فنائی<sup>۴</sup>

زهرا علیدوستی<sup>۵</sup>

### چکیده

از آنجایی که والدگری از دوران سخت و پراسترس برای والدین محسوب می‌شود، هدف پژوهش حاضر مقایسه استرس والدگری مادران شاغل و غیر شاغل در مراحل مختلف چرخه زندگی است. جامعه آماری پژوهش کلیه کارمندان زن متأهل دو دانشگاه شهید بهشتی و صنعتی شریف تهران و کلیه زنان خانه‌دار متأهل شهر تهران در سه مرحله چرخه زندگی خانواده هستند که نمونه مورد نظر در دو گروه شاغل و خانه‌دار به ترتیب ۱۵۸ و ۱۴۸ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. آزمودنی‌ها با استفاده از مقیاس میزان استرس مربوط به والدین بری و جونز (۱۹۹۵) مورد سنجش قرار گرفتند. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و روش آماری T مستقل و تحلیل واریانس یک طرفه و دو طرفه استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان از بالاتر بودن استرس والدگری در زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار و نیز بالا بودن آن در دو مرحله فرزند خردسال و نوجوان نسبت به مرحله میانه‌زندگی در دو گروه داشت. بنابراین اشتغال و فرزندپروری و به عبارتی چندگانگی نقش در مادران می‌تواند فشار روانی و استرس بیشتری بر آنان تحمیل کند.

**واژه‌های کلیدی:** استرس والدگری، چرخه‌زندگی، زنان شاغل، زنان خانه‌دار

nemati110@gmail.com

۱. کارشناس ارشد، مشاوره خانواده، مدرس دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول).

۲. دانشیار، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

۳. دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

۴. دانشجوی کارشناسی، مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی

۵. دانشجوی کارشناسی، مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی

## مقدمه

پژوهشگران سال‌های متمادی توجه خود را به بررسی نظریه‌های استرس فردی معطوف داشتند ولی در سال‌های اخیر استرس در زوجین به عنوان یک پدیده اجتماعی مطرح شده است (بودنمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). استرس، کنش‌وری فرد را از لحاظ اجتماعی، روان‌شناختی، جسمانی و خانوادگی دچار اختلال می‌نماید (استورا، ۱۳۸۷) و کارکرد اجتماعی افراد را مختل می‌کند (کاسپیو، تاسیناری و برنستون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). از نشانه‌های اختلال در عملکرد اجتماعی می‌توان به تعاملات والد-فرزند اشاره کرد (اورت<sup>۳</sup> و اورت؛ ۱۹۹۹). از آنجایی که والدگری بدون شک از دوران سخت و طاقت‌فرسا، پراسترس و همراه با تنیدگی است (هاگ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸)، پدران و مادران به عنوان یکی از مهمترین جمعیت‌های در معرض پدیده تنیدگی در نظر گرفته می‌شوند (گود و هالی<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸). هر چند پژوهش‌های اخیر اظهار کرده‌اند که رفتارهای والدین به طور مستقیم و غیر مستقیم بر روابط فرزندان تأثیر می‌گذارد (مایلووسکی، اسچلیتچر، ماچلیو<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱) ولی امروزه در جامعه‌شناسی جدید کودک، به اهمیت و تأثیر فرزندان در خانواده و روابط خانوادگی تأکید بسیار دارند (کلایتون<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳). استرس مربوط به فرزندان به عنوان یک استرس بیرونی تلقی شده است (رنдал و بودنمن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹) که این استرس دلیل ناپایداری روابط زوجین را فراهم می‌کند (بودنمن، لیدرمن، بلاتنر-بولیجر، گالوزو<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶). از میان عوامل ایجادکننده استرس در خانواده، عوامل استرس‌زایی وجود دارند که به طور خاص ناشی از ایفای نقش والدگری هستند، نقش والد در برگیرنده اتفاقات هر روزه‌ای است که در درون خانواده به وقوع می‌پیوندد (مناگهان<sup>۱۰</sup>، ۱۹۸۳)، این وقایع بر روی نظام روابط درونی و برونی خانواده تأثیر داشته و از آن متأثر می‌شود و به طور کلی ورود فرزند جدید به خانواده، جزء عوامل ایجادکننده استرس برای والدین محسوب می‌شود (هوبر، ۲۰۱۰). بنابراین یکی از مهمترین عوامل تنیدگی در سطح خانواده و دوره زندگی زناشویی، می‌توان به استرس والدگری اشاره کرد که با پذیرفتن نقش والدینی شکل می‌گیرد و مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قلمروهای روانشناسی (به ویژه روان‌شناسی تحول نگر) و سلامت‌روان قرار گرفته است (آبیدین، ۱۹۹۷). استرس والدگری<sup>۱۱</sup> نوعی از استرس است که توسط والدین تجربه می‌شود و ناشی از مقتضیات والدگری است و در اکثر مواقع رابطه بسیار نزدیکی با اختلال در کارکرد

1. Bodenmann
2. Cacioppo, Tassinari, Berntson
3. Everett
4. Haag
5. Goode, Haley
6. Milevsky & Schlechter & Machlev
7. Clayton
8. Randall, Bodenmann
9. Bodenmann, Ledermann, Blattner-Bolliger, & Galluzzo
10. menaghan
11. Parenting Stress

والدین دارد (اوستبرگ، هیجکال<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). به طوری که نتایج پژوهش نیس، گرین و بیکر<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) از ارتباط متقابل استرس والدگری و مشکلات رفتاری کودکان برای مادران و پدران حمایت می‌کند. همه والدین در ایفای نقش والدگری خود، سطحی از استرس را تجربه می‌کنند (کریزی و جرویس<sup>۳</sup>، جرویس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳) ولی این امر به خصوص بیشتر در مادران قابل مشاهده است چرا که نتایج پژوهش‌ها از درگیری بیشتر مادران در امر مراقبت از کودک و در نتیجه سطوح بالاتر تنیدگی حکایت دارد. مادران در جوامع شرقی نقش مراقبت‌گری در قبال نیازهای جسمانی، عاطفی و اجتماعی کودکان را متحمل می‌شوند و به عبارتی بیشتر وظیفه تربیت فرزندان عهده‌دار هستند و در مقابل پدران کمتر با فرزندان تعامل داشته و بیشتر پدران مسئولیت انضباطی فرزندان در خانواده بر عهده دارند (ووک، وانگ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). عوامل متعددی سلامتی مادران را تهدید و میزان استرس ناشی از فرزندپروری را تشدید می‌کند، اشتغال مادران و دوران تحولی فرزندان در چرخه‌زندگی از عواملی هستند که میزان تنش و استرس مادران را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. احساس منفی ناشی از شغل بر تعاملات والد و کودک تأثیر می‌گذارد (استوری و ریپیتی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶) به طوری که استوری (۲۰۰۵)، معتقد است، کارهای سخت در زوج‌ها واکنش‌هایی از قبیل سردی، خشم، تعامل‌های منفی و کاهش ارتباط را ایجاد می‌کند. در پژوهشی که توسط کوکلین، گیالو و راس<sup>۶</sup> (۲۰۱۲) انجام شد، نتایج نشان داد که خستگی والدین ناشی از شغل می‌تواند توانایی و صلاحیت پایین والدین، استرس والدگری بالا و کج‌خلقی و زودرنجی بالا در تعامل والد-کودک پیش‌بینی کند و نیز نتایج پژوهش هاشمی، خورشید و حسن (۲۰۰۷) نشان داد زنان متأهل شاغل نسبت به زنان متأهل غیر شاغل در زندگی زناشویی به مشکلات بیشتری دچار هستند و زنان شاغل تحت فشار استرس بیشتری قرار دارند چرا که در دو محیط خانه و محیط شغلی مشغول هستند و مقدار بیشتری کار و مسئولیت را متحمل می‌شوند. همچنین نتایج پژوهش موسوی (۱۳۸۸) نشان داد بیش از نیمی از زنان شاغل ایرانی دچار تعارض بین نقش‌های خانوادگی و شغلی خویش هستند و قادر به برقراری تعادل بین آنها نیستند. علاوه بر نقش اشتغال در استرس والدگری مادران، حضور فرزندان با سنین متفاوت در خانواده مادران را با استرس و تنش‌های متفاوت روبه‌رو می‌کند، به نحوی که کاسلو و همکاران (۱۹۹۵؛ نقل از موسوی، ۱۳۸۹) معتقدند، مراحل چرخه‌زندگی در کنار سایر عوامل یکی از عوامل اثرگذار بر خانواده به شمار می‌آید. به بیان استلا<sup>۷</sup> (۲۰۰۳)، خانواده همانند یک فرد، از فرایند رشدی و تحولی عبور می‌کند و روابط نقشی میان اعضای آن در طول زمان،

- 
1. Ostberg & Hage Kull
  2. Neece, Green, Baker
  3. Creasey, Jarvise
  4. Kwok, Wong
  5. Story, Repetti
  6. Cooklin, Giallo, Rose
  7. Stella

تغییر قابل توجهی می‌یابد. وقوع رویدادهای نابهنگام در چرخه زندگی فرد، همواره بسیار تنیدگی زااست. تولد یک کودک، رفت و برگشت یک فرزند، مرگ همسر یا بازنشستگی اگر به موقع نباشد بی‌تردید دارای پیامدهای گسترده‌تری است (استورا، ۱۳۸۷). بنابراین نقش استرس‌والدگری در زنان که مسئولیت‌های بیشتری نسبت به مردان در تربیت فرزندان دارا هستند و به خصوص این استرس در زنان شاغل که علاوه بر نقش مادری، شاغل بوده و احتمال تعارض بین نقش‌های خانوادگی، فرزندپروری و شغلی وجود دارد، قابل تأمل می‌باشد و از آنجایی که والدشدن تأثیر منفی شدیدتری روی زنان دارد تا مردان (تی‌سانگ، هاروی، دانکن و سومر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳) و یکی از ویژگی‌های استرس‌والدگری ثبات و دوام آن در طول زمان است و به میزان متفاوتی رفتار والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کرنیک، گز و هافمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵) این پژوهش در پی مقایسه استرس‌والدگری زنان شاغل و غیرشاغل در چرخه زندگی خانواده می‌باشد و به عبارتی در پی پاسخگویی به این سوال است که آیا استرس‌والدگری در چرخه زندگی خانواده زنان شاغل و غیرشاغل متفاوت است؟

(۱) استرس‌والدگری در دو گروه زنان شاغل و غیرشاغل متفاوت است.

(۲) استرس‌والدگری در مراحل چرخه‌زندگی خانواده متفاوت است.

(۳) اثر تعاملی استرس‌والدگری و چرخه‌زندگی خانواده معنادار است.

### ابزار و روش

روش پژوهش توصیفی - مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش برای گروه شاغل شامل کلیه کارمندان زن متأهل دو دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه صنعتی شریف تهران در سال ۱۳۹۱-۱۳۹۲ هستند. گروه غیر شاغل، شامل کلیه زنان متأهل خانه‌دار شهر تهران در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ است. نمونه‌های غیر شاغل از مناطق ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ تهران انتخاب شدند. تعداد نمونه‌ها بر اساس سه مرحله چرخه زندگی مورد مطالعه می‌باشد، با توجه به این که به هر چرخه در هر گروه به طور مجزا ۵۰ نمونه اختصاص داده شد، در مجموع به تعداد ۳۰۶ نمونه از جامعه آماری انتخاب شد که ۱۵۸ نمونه مربوط به گروه شاغل و ۱۴۸ نمونه به گروه غیر شاغل اختصاص دارد که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. وجود یا عدم فرزند، سن کوچکترین فرزند را ملاک‌های مورد استفاده برای تعیین مرحله چرخه زندگی خانواده در نظر گرفته شد و به طور کلی معیارهای تأهل، شاغل در دو دانشگاه، سکونت در ۶ منطقه مورد نظر برای گروه خانه‌دار، عدم مطلقه یا بیوه بودن، عدم مبتلا به بیماری خاص و علاج در انتخاب نمونه‌های مورد نظر مورد توجه قرار گرفته شد. در این پژوهش تقسیم‌بندی مراحل چرخه‌ی زندگی خانواده با استفاده از نظریه مک‌گلدریک، کارتر، گارسیا-پرتو (۲۰۱۱) انجام شد که این مراحل به ترتیب شامل بزرگسال جوان، زوج جوان (ازدواج)، خانواده با فرزندان خردسال، خانواده با

1. Tsang, Harvey, Duncan, Sommer

2 . Crnic, Gaze & Hafman

فرزندان نوجوان، خانواده در میانه زندگی و خانواده در مراحل پایانی می‌باشد. با این توضیح که از مراحل شش‌گانه این دیدگاه به بررسی سه مرحله پرداخته شد و چرخه اول (بزرگسال جوان) با توجه به وضعیت فرهنگی کشور و عدم زندگی زناشویی بین دختر و پسر در این دوره و چرخه دوم به دلیل عدم فرزند، چرخه ششم (خانواده در مراحل پایانی) به دلیل بررسی زنان شاغل و قرار گرفتن آنها در دوران بازنشستگی و به عبارتی شاغل نبودن آنها در حال حاضر و جدا شدن فرزندان از خانواده از پژوهش حذف گردید. چرخه زندگی فرزند خردسال، فرزند نوجوان و میانه زندگی به ترتیب سنین کمتر از ۱۲ سال، ۱۲-۲۰ سال و ۲۰ الی ۳۰ سال شامل می‌شود. پس از انتخاب نمونه‌ها پرسش‌نامه مورد نظر را به هر یک از افراد نمونه که جهت همکاری در این پژوهش رضایت داشتند، توزیع گردید و از آنها خواسته شد بدون محدودیت زمانی پرسشنامه را تکمیل نمایند. به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش، از مقیاس میزان استرس مربوط به والدین<sup>۱</sup> استفاده شد. این مقیاس یک ابزار خودگزارش‌دهی ۱۸ سوالی است که توسط بری و جونز<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) تهیه شده است. این ابزار میزان استرس والدین از والد بودن را مورد سنجش قرار می‌دهد. هریک از گزینه‌های این مقیاس احساسات خوشایند و ناخوشایند والدین از والد شدن و آگاهی‌های پدر و مادر شدن را نشان می‌دهد. این ابزار بر اساس مقیاس لیکرت به صورت شدیداً مخالف، مخالف، مردد، موافق، شدیداً موافق سنجیده می‌شود. این ابزار قابلیت اجرا هم برای مادران و هم برای پدران دارد و نیز برای والدین دارای فرزند مشکلات بالینی و هم والدین دارای فرزند عادی قابلیت اجرا دارد. همسانی درونی این پرسشنامه با سطح مناسبی از آلفای کرونباخ ۰/۸۳ تعیین شده است همچنین پایایی آن به روش بازآزمایی<sup>۳</sup> ۰/۸۱ مشخص شده است (بری و جونز، ۱۹۹۵). پایایی این پرسشنامه در جامعه والدین کودکان دبستانی عادی و کودکان بیش‌فعال چینی ۰/۸۶ نشان داده شد (لتونگ و تی‌سانگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). این پرسشنامه در جامعه ایرانی پس از ترجمه توسط محقق به صورت آزمایشی<sup>۵</sup> در ۵۶ والد اجرا گردید که آلفای کرونباخ مناسب ۰/۸۹ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۷۸ از همسانی درونی خوبی برخوردار است. برای تعیین روایی آن از ابزارهای سنجش استرس، وضعیت هیجانی و رضایت نقش مثل پرسشنامه استرس ادراک‌شده والدینی، استرس شغلی یا خانواده، پرسشنامه احساس تنهایی، اضطراب، رضایت زناشویی و غیره استفاده شد که سطح روایی رضایت‌بخشی نشان داد (بری و جونز، ۱۹۹۵). برای تعیین روایی آن در این پژوهش توسط ۸ استاد متخصص دانشگاه شهید بهشتی در زمینه خانواده مورد تأیید قرار گرفت. داده‌های حاصل از پرسشنامه پژوهش با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و

1 . The Parental Stress Scale

2 . Berry, Jones

3 . Test-Retest

4 . Leung & Tsang

5 . Pilot

انحراف استاندارد) و روش T مستقل و تحلیل واریانس یک طرفه و دو طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### یافته‌ها

آماره‌های توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد) داده‌های مربوط به استرس والدگری بر حسب گروه و چرخه زندگی در جدول ۱، نمایه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد مقیاس استرس والدگری

گروه	چرخه زندگی	استرس والدگری	
		میانگین	انحراف استاندارد
زنان شاغل	فرزند خردسال	۴۸/۳۰	۶/۰۵
	فرزند نوجوان	۴۷/۸۶	۵/۵۵
	میانه زندگی	۴۰/۳۱	۸/۰۶
کل		۴۵/۵۸	۷/۵۳
زنان خانه‌دار	فرزند خردسال	۴۱/۸۸	۷/۹۳
	فرزند نوجوان	۴۳/۳۲	۸/۹۳
	میانه زندگی	۳۲/۰۴	۵/۲۵
کل		۳۹/۱۷	۹/۰۱
جمع کل	فرزند خردسال	۴۵/۲۴	۷/۶۸
	فرزند نوجوان	۴۵/۶۳	۷/۷۱
	میانه زندگی	۳۶/۳۰	۷/۹۷
کل		۴۲/۴۸	۸/۸۶

نتایج جدول ۱، نشان می‌دهد که میانگین استرس والدگری در گروه زنان شاغل (۴۵/۵۸) بالاتر از زنان خانه‌دار (۳۹/۱۷) است. در استرس والدگری زنان شاغل بالاترین میانگین به چرخه زندگی فرزند خردسال (۴۸/۳۰) ولی در گروه زنان خانه‌دار بالاترین میانگین به چرخه زندگی فرزند نوجوان (۴۳/۳۲) و کمترین میانگین در هر دو گروه به چرخه زندگی میانه زندگی (۴۰/۳۱ و ۳۲/۰۴) اختصاص دارد. جهت بررسی فرضیه اول مبنی بر اینکه «استرس والدگری در دو گروه زنان شاغل و غیرشاغل متفاوت است» از آزمون تی گروه مستقل استفاده شد.

جدول ۲: آزمون T مستقل برای مقایسه استرس والدگری در دو گروه شاغل و خانه‌دار

متغیر	تعداد	میانگین	شاخص		
			انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی
زنان شاغل	۱۵۸	۴۵/۵۸	۷/۵۳	۶/۷۶	۳۰۴
زنان خانه‌دار	۱۴۸	۳۹/۱۷	۹/۰۱		۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول ۲، ملاحظه می‌شود که در مولفه استرس والدگری مقدار t (۶/۷۶) با درجه آزادی (۳۰۴) در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. لذا در این مولفه فرض صفر رد می‌گردد و فرض پژوهش مبنی بر متفاوت بودن استرس والدگری در دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار تأیید می‌گردد و با توجه به میانگین دو گروه، میزان استرس والدگری در زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار است. جهت بررسی فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه "استرس والدگری در مراحل چرخه زندگی خانواده متفاوت است" از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه استرس والدگری در سه مرحله چرخه زندگی خانواده

منبع	SS	درجه آزادی Df	MS	F	سطح معناداری (sig)	اندازه اثر ( $\eta^2$ )
چرخه زندگی	۵۵۹۸/۳۶۹	۲	۲۷۹۹/۱۸۴	۴۶/۱	۰/۰۰۱	۰/۲۳۳
خطا	۱۸۳۹۸/۰۴۹	۳۰۳	۶۰/۷۲۰			
کل	۵۷۶۲۸۴	۳۰۶				

بر اساس نتایج جدول ۳، ملاحظه می‌شود، مولفه استرس والدگری در چرخه زندگی خانواده با مقدار  $F(2,303)=46/1$  و سطح معناداری ۰/۰۰۱ و اندازه اثر مناسب (۰/۲۳۳) متفاوت است. جهت تعیین اثر هر یک از چرخه زندگی خانواده بر استرس والدگری از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد که نتایج آزمون شفه در جدول ۴، نشان می‌دهد، چرخه زندگی فرزند خردسال و چرخه زندگی فرزند نوجوان در استرس والدگری هر دو تفاوت میانگین معناداری با چرخه زندگی میانه زندگی دارند. در بین دیگر گروه‌ها تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

جدول ۴: نتایج آزمون شفه برای مقایسه اثر متغیر چرخه زندگی بر مقیاس استرس والدگری

چرخه زندگی	فرزند خردسال	فرزند نوجوان	میانگین	تفاوت میانگین	سطح معناداری
فرزند خردسال	-	-	۰/۳۸۹۶	۸/۹۴	۰/۰۰۱*
فرزند نوجوان	۰/۳۸۹۶	-	-	۹/۳۳	۰/۰۰۱*
میانگین زندگی	-۸/۹۴	۰/۰۰۱	-۹/۳۳	-	-

\*تفاوت میانگین در سطح ۰/۰۵ معنی دار است.  $P < ۰/۰۵$

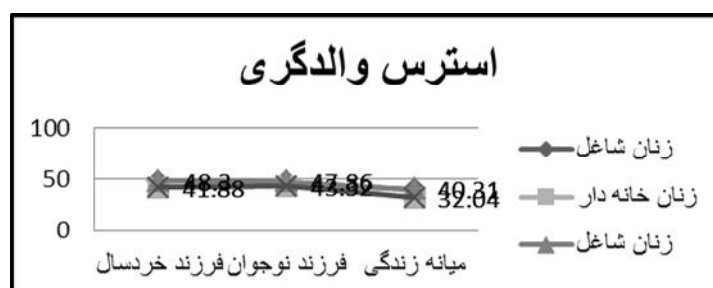
جهت بررسی فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اینکه «اثر تعاملی گروه (زنان شاغل و خانه‌دار) و چرخه زندگی خانواده (فرزند خردسال، فرزند نوجوان، میانگین زندگی) در استرس والدگری معنادار است» از تحلیل واریانس دو طرفه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵، قابل مشاهده است.

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس دو طرفه مقیاس استرس والدگری بر حسب گروه و چرخه زندگی

منبع	SS	درجه آزادی Df	MS	F	سطح معناداری (sig)	اندازه اثر ( $\eta^2$ )
گروه	۳۱۴۳/۱۲	۱	۳۱۴۳/۱۲	۶۲/۴۵	۰/۰۰۱	۰/۱۷۲
چرخه زندگی	۵۶۲۹/۲۲	۲	۲۸۱۴/۶۱	۵۵/۹۳	۰/۰۰۱	۰/۲۷۲
گروه*چرخه زندگی	۱۷۴/۳۵	۲	۸۷/۱۷	۱/۷۳	۰/۱۷۹	۰/۰۱۱
خطا	۱۵۰۹۶/۸۶	۳۰۰	۵۰/۳۲			

براساس نتایج تحلیل واریانس دو طرفه در جدول ۵ و نمودار ۱ ملاحظه می‌شود، اثر هر یک از عامل‌های گروه و چرخه زندگی خانواده به طور جداگانه همانطور که در جدول‌های ۲ و ۳، نیز ارائه شد، تفاوت معناداری دارند. اما اثر تعاملی گروه و چرخه زندگی خانواده با سطح معناداری ۰/۱۷۹ در میانگین استرس والدگری معنادار نیست.

بنابراین با توجه به نتایج، فرضیه پژوهش در مورد گروه و چرخه زندگی هر یک به تنهایی در استرس والدگری تأیید می‌شود ولی اثر تعاملی گروه و چرخه زندگی بر استرس والدگری رد می‌شود.



شکل ۱. نیمرخ روانی استرس والدگری بر حسب گروه (شاغل و خانه‌دار) و چرخه زندگی



### بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که در بخش یافته‌ها ملاحظه شد، استرس والدگری نسبت وضعیت اشتغال زنان معنادار بوده و گروه زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار استرس والدگری بالاتری را تجربه می‌کنند. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های موسوی (۱۳۸۸)، رستگارخالد (۱۳۸۵)، کولین، گیالو و راس (۲۰۱۲)، هاشمی، خورشید و حسن (۲۰۰۷)، مازیور (۱۹۹۵)، سک‌کامب، والترز، جیمز<sup>۱</sup> (۱۹۹۹)، لاهلما، آربر، کیولا، روس<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) و کروز<sup>۳</sup> (۱۹۸۵) همسو و با نتایج پژوهش‌های طهماسیان و اناری (۱۳۹۱)، دادستان، احمدی ازغندی، حسن‌آبادی (۱۳۸۵)، جکسون<sup>۴</sup> (۲۰۰۰)، ماتیوس و پاور<sup>۵</sup> (۲۰۰۲)، فوکیمما<sup>۶</sup> (۲۰۰۲)، (۲۰۰۲)، مک‌رونات و همکاران (۲۰۰۹) ناهمسو بوده است. گرچه این پژوهشگران بر این باورند که زنان شاغل به دلیل اینکه میزان ساعات کمتری را در مقایسه با زنان خانه‌دار با کودکانشان صرف می‌کنند، درگیری‌های روزانه کمتری با کودکانشان دارند و از طرف دیگر احساساتی همچون حس جبران یا حس گناه باعث می‌شود تا استرس‌های مربوط به والدگری را کمتر تجربه کنند که در واقع با رویکرد نظریه‌ی ضربه‌گیر اشتغال مطرح می‌کنند اما در تبیین نتایج پژوهش حاضر مبنی بر افزایش استرس والدگری در زنان شاغل، باید گفت زنان شاغل با انجام دادن دو نوع کار خانگی و بیرون از خانه و تحمل استرس‌های شغلی نسبت به زنان خانه‌دار که تنها وظیفه‌ی خانه‌داری بر عهده دارند مشکلات و تعارض بیشتر را تجربه می‌کنند. به گونه‌ای که نتایج پژوهش موسوی (۱۳۸۸)، رستگارخالد (۱۳۸۵) و صابر (۱۳۸۵) به تعارض مسئولیتهای خانگی و شغلی زنان شاغل اشاره می‌کنند. این تعارض و تضادها و به طور کلی عدم تعادل و هماهنگی میان نقش‌های خانگی و شغلی پیامدهایی مثل اضطراب و کاهش سلامتی، خستگی شغلی، تضعیف کیفیت زندگی زناشویی و نارضایتی از نقش والدینی را در پی دارد. همچنین می‌توان گفت همزمان با افزایش نقش‌های چندگانه مادر، میزان کل تنیدگی تجربه شده نیز بالا می‌رود و در نتیجه اشتغال مادران می‌تواند بالقوه به افزایش تنیدگی در آنان منجر شود. این نتیجه می‌تواند در قالب نظریه رویکرد تنیدگی‌زای چندگانه که در کنار نقش‌های والدگری و همسری، نقش شغل را منبع تنیدگی در سلامت مادر می‌داند، مطرح کرد. از عواملی که به عنوان منبع تنیدگی مطرح می‌شود، رویارویی خانواده-کار است که مسائل خانوادگی، اشتغال زن و شوهر، بحران‌های زندگی را در بر می‌گیرد و همچنین نارسایی کیفی شغل می‌توان نیز از عوامل تنیدگی‌زا بیان کرد (استورا، ۱۳۸۷)

- 1 . Seccombe, Walters, James
- 2 . Lahelma, Arber, Kivelä, Roos
- 3 . Krause
- 4 . Jackson
- 5 . Matthews, Power
- 6 . Fokkema

آبیدین (۱۹۹۵)، معتقد است که ویژگی‌های والد و کودک، همراه با متغیرهای موقعیتی و عوامل استرس‌زای زندگی (مانند طلاق، مشکلات شغلی) دلیل افزایش استرس والدگری است. بنابراین شاغل بودن احتمال ایجاد استرس در قالب داشتن کار چندگانه بیرون و خانه را برای زنان شاغل افزایش می‌دهد.

از نتایج دیگر این پژوهش معنادار بودن استرس والدگری نسبت به چرخه زندگی خانواده است به عبارتی دو چرخه زندگی فرزند خردسال و چرخه زندگی فرزند نوجوان از استرس والدگری بالاتری نسبت به چرخه زندگی میانه زندگی برخوردارند و مادران در این دو چرخه استرس والدگری بیشتری متحمل می‌گردند. این نتیجه با نتایج پژوهش صابر (۱۳۸۵)، نیس، گرین و بیکر (۲۰۱۲)، لوپس و کوپر<sup>۱</sup> (۱۹۸۷)، ریپیتی (۱۹۹۴)، سکاران<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) همسو است. همچنین در تحقیق بهاورنیا (۱۳۸۷)، نتایج نشان داد در مراحل دوم (فرزند خردسال) و سوم (فرزند نوجوان) چرخه زندگی میزان استرس زنان در بالاترین میزان قرار دارد و استینز و اکانر<sup>۳</sup> (۱۹۸۰) نیز گزارش دادند که والدین کودکان کمتر از شش سال، در خانواده و محل کار خود، بیشترین میزان تعارض دارند و این امر با افزایش سن فرزندان کاهش پیدا می‌کند. اضافه شدن فرد دیگری به خانواده نیازمند شرایط جدیدی هست که خانواده باید بتواند با این تغییرات خود را هماهنگ سازد. با تولد فرزند تغییراتی که در زوجین ایجاد می‌شود باعث می‌شود والدین نقش سنتی‌تری را به خود بگیرند و تعامل قبلی که زوجین در زندگی با هم داشتند و به عبارتی به حمایت از هم جدا از نقش‌ها می‌پرداختند، کاهش پیدا کند و مردها بیشتر مشغول کارهای بیرون از خانه و مادر به فعالیتهای داخلی خانواده می‌پردازد و با افزایش حجم کاری پس از تولد فرزند در خانواده، فشار بیشتری به مادر وارد شده و در نتیجه استرس بیشتر را متحمل می‌شود. هوبر (۲۰۱۰) معتقد است، ورود فرزند جدید به خانواده، جزء عوامل ایجادکننده استرس برای والدین است. همچنین والد شدن نقش اجتماعی دیگری ایجاد می‌کند و داشتن نقش‌های بیشتر می‌تواند منجر به استرس و تعارض شود. در پژوهشی که لاستلی و همکاران (۱۹۷۴؛ نقل از میلر، یورگاسون، سندبرگ و وایت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳)، در رابطه با ظهور نشانه‌ها و ایجاد بحران درون خانواده انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که شروع نشانه‌های بحران با ایجاد مرحله‌ی تغییر و انتقال خانواده رابطه مثبت و معناداری دارد. آنها معتقدند بحران به دو صورت نمایان می‌شود: ۱. اضافه شدن اعضای جدید به خانواده (تولد، فرزندخواندگی و یا ازدواج)، ۲. از دست دادن اعضای حاضر در خانواده (مرگ، جدایی والدین، خروج فرزندان از خانواده). مسأله اقتصادی از عوامل دیگری می‌تواند باشد که در تشدید فشار به خانواده موثر باشد. به طوری که تولد فرزند هزینه‌هایی برای خانواده به بار می‌آورد، تا قبل از تولد فرزند هزینه‌ها بین

1 . Lewis, Cooper

2 . Sekaran

3 . Staines & O'Connor

4 . Miller, Yorgason, Sandberg & White

دو نفر تقسیم می‌شد ولی الان نیازمند رفع نیازهای کودک هم است. پیتمن، لیوید<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) معتقدند تنگنای اقتصادی هنگام والدشدن عاملی برای تشدید استرس است. همچنین وجود چندگانگی نقش در والدین به خصوص در مادران که هم مسئولیت خانه‌داری و مراقبت از فرزندان به خصوص در جامعه ایران که وظیفه‌ی نگهداری و تربیت فرزند و هم مسئولیت شغلی بر عهده دارند، باعث می‌شود تعارض و تضاد در نقش‌ها ایجاد شود و در نتیجه تنیدگی و استرس والدگری هم افزایش پیدا کند. در زنان احساس شایستگی نسبت به والدگری و فرزندپروری قبل و بعد از تولد فرزند تفاوت ندارد. به عبارت دیگر در زنان احساس شایستگی در مورد فرزندپروری بعد از تولد فرزند کاهش قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد در زنان این کاهش به دلیل نقش اصلی زن در والدگری باشد (بهاورنیا، ۱۳۸۷). زمانی که فرزندان به سنین نوجوانی می‌رسند، جدا از مسائل و مشکلات دوران نوجوانی معمولاً مادران با توجه به بالا رفتن سن ازدواج در دوران یائسگی به سر می‌برند که این خود عاملی تنیدگی‌زا برای مادر و خانواده خواهد بود و به بحرانی‌تر شدن شرایط و بالا رفتن استرس در مادران منتهی می‌شود. در دوره نوجوانی که فرزندان به سمت استقلال حرکت می‌کنند و معمولاً دوست دارند عقاید، باورها، ایده‌ها، افکار و به طور کلی ایدئولوژی‌های جدید و متفاوتی تجربه کنند، خانواده را با بحران جدیدی روبه‌رو می‌کنند و خانواده به خصوص مادران از آنجایی که در خانواده‌های ایرانی فرزندان با مادران راحت‌تر مشکلات و دغدغه‌های خود را بیان می‌کنند و به عبارتی مادران به دلیل حس مادرانه‌ای که دارند بیشتر پذیرش مشکلات فرزندان هستند، استرس و تنیدگی بیشتری را متحمل می‌شوند. همچنین مصادف شدن دوران نوجوانی فرزندان با مراقبت از پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها در خانواده به مسئولیت‌های مادران و خانواده افزوده می‌کند. به طور کلی این دو مرحله از چرخه زندگی یعنی چرخه فرزند خردسال و فرزند نوجوان که از تولد تا ۲۰ سالگی شامل می‌شود، با دوران تحصیل مقدماتی همراه است که این دوران مشکلاتی از قبیل ضعف تحصیلی، تجربه روابط اجتماعی، ارتباط با دوستان و غیره در فرزندان همراه است و بیشترین نیازمندی به والدین در جهت کمک و راهنمایی به فرزندان در این دوران است. مسأله دعوی خواهر و برادری در خانواده‌ها در این دوره و ناآرامی‌هایی که در نتیجه آن ایجاد می‌شود شرایط والدین را از لحاظ روانشناختی دچار مشکل می‌کند و متحمل پذیرش شرایطی همراه با استرس و تنیدگی خواهند بود. بسیاری از خانواده در مانگران دریافته‌اند که تعارضات در روابط خواهر و برادری، کیفیت زندگی خانوادگی، تعاملات خانوادگی، عزت‌نفس کودکان و از همه مهمتر استرس والدگری را تحت الشعاع قرار می‌دهد (هوبر، ۲۰۱۰). اما در مورد کاهش استرس والدگری در چرخه میانه زندگی و به طور کلی مراحل پایانی چرخه زندگی، طبیعی است با بزرگ شدن فرزندان و پشت‌سر گذاشتن دوره‌ی نوجوانی آرامش دوباره به خانواده بر می‌گردد و به عبارتی آرامش پس از طوفان شکل می‌گیرد. فرزندان دیگر از لحاظ شناختی، عاطفی و اجتماعی رشد یافته‌اند و وارد دانشگاه

---

1. Pittman & Liloyd

یا شغل شدند و احساس مسئولیت در آن‌ها شکل می‌گیرد. در این دوران که فرزندان تصمیم به ترک خانواده (تحصیل، شغل) می‌گیرند، خانواده‌ها با خیال راحت و بدون استرس با توجه به بزرگ شدن فرزندان به آنها اجازه خروج از خانواده می‌دهند و دغدغهای مبنی بر نبود و یا دیر کردن فرزندان مثل سابق ندارند. همچنین در این سنین فرزندان خود یک نوع منع حمایتی برای والدین می‌باشند و به آنها در صورت نیاز کمک می‌کنند. بنابراین همه‌ی این موارد باعث می‌شوند که والدین به خصوص مادران در این مرحله با خیال راحت و عاری از هر گونه استرس بی‌مورد به زندگی خانوادگی بپردازند و با همکاری هم مشکلات همدیگر را رفع کنند.

بنابراین با توجه به نتیجه پژوهش مبنی بر بالاتر بودن میزان استرس والدگری در زنان شاغل و دو چرخه فرزند خردسال و نوجوان، می‌توان گفت افزایش مسئولیت و چندگانگی نقش در مادران فشار روانی بیشتری را متحمل می‌شوند و این باعث می‌شود عملکرد روزانه مادران بخصوص در رابطه با تربیت صحیح فرزندان را با خطر مواجه کند و از کارایی مناسب آن بکاهد و در نتیجه جامعه از داشتن فرزندانی آگاه و با کفایت محروم خواهد ماند. پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همراه بود که می‌توان به نادیده گرفتن تعداد فرزندان و وضعیت سلامتی جسمی فرزندان در هر خانواده به عنوان یکی از عوامل مهم در امر سلامت خانواده و به ویژه مادران در گروه شاغل و غیر شاغل، در نظر نگرفتن شرایط و استرس والدگری پدر خانواده در کنار استرس مادران و تعاملی که با هم دارند، بررسی مقطعی پژوهش با توجه به مطالعه چرخه زندگی و عدم توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی نمونه‌های مورد مطالعه که احتمال نتایج متفاوت را دارد، اشاره کرد.

بر همین اساس با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود ایجاد مکان‌هایی برای مراقبت از فرزندان مادران کارمند در هر ارگان و سازمان تدارک دیده شود به عنوان مثال ایجاد مهد کودک، اختصاص زمان کوتاه برای دیدار با فرزندان برای مادران شاغل دارای فرزند در سازمان‌ها، افزایش مرخصی زایمان زنان، مدارس در طول سال تحصیلی برنامه‌های آموزشی و مهارت‌های زندگی مثل جرأت ورزی و... برای نوجوانان به صورت عملی هم برای والدین و هم برای دانش‌آموزان تدارک ببینند تا همیار خانواده‌ها در این دوران برای رفع مشکلات باشند، ایجاد انعطاف در ساعات کار زنان در ادارات و سازمان‌ها و ملزم نکردن آنها پا به پای مردان، نقش حمایتی مردان در کنار شاغل بودن همسران می‌تواند حیاتی باشد و می‌توانند حامیان خوبی برای همسران خود باشند.

## منابع

- استورا. (۱۳۸۷). **تنیدگی یا استرس بیماری جدید تمدن**، ترجمه: پریخ دادستان. تهران: انتشارات رشد.
- بهاورنیا، الناز. (۱۳۸۷). **بررسی مدل‌های خطی و منحنی رضایت زناشویی در چرخه زندگی مشترک**. پایان نامه کارشناسی ارشد خانواده درمانی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.
- دادستان، پریخ؛ احمدی ازغندی و حسن‌آبادی، حمیدرضا. (۱۳۸۵). **تنیدگی والدینی و سلامت عمومی: پژوهش درباره رابطه تنیدگی حاصل از والدگری با سلامت عمومی در مادران پرستار و خانه‌دار دارای کودکان خردسال**. فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال دوازدهم، شماره ۷، ۱۷۱-۱۸۴.
- رستگارخالد، امیر. (۱۳۸۵). **اشتغال زنان و ضرورت کنترل فشارهای ناشی از کار خانگی**، مجله دانشور، دوره سیزدهم، شماره ۱۹، ۳۳-۵۲.
- صابر، فیروزه. (۱۳۸۵). **راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در ایران: راهکارهای تواناسازی زنان در راستای برابری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ایران**، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- طهماسبیان، کارینه؛ اناری، آسیه. (۱۳۹۱). **اشتغال زنان: استرس‌های والدگری و بهره‌گیری از حمایت‌های اجتماعی**. مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی خانواده و جهانی شدن، پنجمین کنگره آسیب‌شناسی خانواده، ۲۳ و ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- موسوی، اشرف سادات (۱۳۸۹). **خانواده درمانی نکات کاربردی**. تهران: مهرکاوین.
- موسوی، سید یعقوب (۱۳۸۸). **بررسی تعارض نقش دوگانه زنان در خانه و اجتماع و ارائه راهکارهای مناسب**. تهران: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.
- Abidin, R.R. (1995). **Manual for the parenting stress index**. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Abidin, R. R. (1997). **Parenting Stress Index: A measure of the parent-child system**.
- Berry, J. O., & Jones, W. H. (1995). The parental stress scale: Initial psychometric evidence. **Journal of Social and Personal Relationships**, 12(3), 463-472.
- Bodenmann, G. (2005). **Dyadic coping and its significant for marital functioning**. In T.Revenson, K. Kayser, & G. Bodenmann (Eds.), *Couples*

coping with stress: Emerging perspectives on dyadic coping (pp. 33-50). Washington, D.C.: American Psychological Association.

- Bodenmann, G., Ledermann, T., Blattner-Bolliger, D., & Galluzzo, C. (2006). The association between everyday stress, critical life events, and sexual dysfunction. **Journal of Nervous and Mental Disease**, 194, 494-501.

- Cacioppo, J.T. Tassinary, L.G. Berntson, G. (2007). **Handbook of psychophysiology**. New York: Cambridge University Press.

- Clayton, C. L. (2013). British Chinese Children Agency and Action. **The Journal of Early Adolescence**, 33(2), 161-183.

- Cooklin, A., Giallo, R., & Rose, N. (2012). **Parental fatigue and parenting practices during early childhood: An Australian community survey**. **Child: care, health and development**, 38(5), 654-664.

- Creasey, G.L., Jarvise, P.A. (2003). Relationships between parenting stress and developmental functioning among 2- Years- old. **Journal of Infant Behaviour and Development**, 17, 423-429.

- Crnic, K. A.; Gaze, c.; Hafman, C. (2005). **Comulative Parenting Stress Across the preschool period: Relations to maternal parenting and child behavior at age 5**. **Infant and child Development**, 14, 117-132.

- Everett, C. A., & Everett, S. V. (1999). **Family therapy for ADHD**. New York: Guilford Press.

- Fokkema, T. (2002). **Combining a job and children: contrasting the health of married and divorced women in the Netherlands?** **Social science & medicine**, 54(5), 741-752.

- Goode, K.T. Haley, W.E. (1998). **Predicting longitudinal changes in caregiving physical and mental health: a stress process model**. **Health Psycho**, 17, 190-198.

- Haag, Ian P. (2008). **"Mindfulness: Mediating the Relationship between Attachment Security and Parenting Style"**. PhD diss., University of Tennessee. [http://trace.tennessee.edu/utk\\_graddiss/542](http://trace.tennessee.edu/utk_graddiss/542).

- Hashemi, H. A., Khurshid, M., Hassan, I. (2007). Marital Adjustment, Stress and Depression among Working and Non-Working Married Women. **Internet Journal of Medical Update**, 2(1), 19-26.

- Huber, J. S. (2010). **The Mediating Effect of Sibling Warmth on Parental Stress in Families With Children Who Have Attention Deficit Hyperactivity Disorder.**

- Jackson, A. P. (2000). Maternal self-efficacy and children's influence on stress and parenting among single black mothers in poverty. **Journal of Family Issues**, 21(1), 3-16.

- Krause, N. (1985). Depressive syndromes among women employed outside the home. **Journal of Community psychology**, 13, 49-67.

- Kwok, S., & Wong, D. (2000). **Mental health of parents with young children in Hong Kong: the roles of parenting stress and parenting self-efficacy.** *Child and Family Social Work*, 5(1), 57-65.

- Lahelma, E., Arber, S., Kivelä, K., & Roos, E. (2002). Multiple roles and health among British and Finnish women: the influence of socioeconomic circumstances. **Social science & medicine**, 54(5), 727-740.

- Leung, C., & Tsang, S. K. (2010). The Chinese Parental Stress Scale: Psychometric Evidence Using Rasch Modeling on Clinical and Nonclinical Samples. **Journal of personality assessment**, 92(1), 26-34.

- Lewis, S. N., & Cooper, C. L. (1987). Stress in two-earner couples and stage in the life-cycle. **Journal of Occupational Psychology**, 60(4), 289-303.

- McGoldrick, M., Carter, B., & Garcia-Preto, N. (2011). **The expanded family life cycle: Individual, family, and social perspectives** (4th ed.). Boston: Pearson.

- Matthews, S., & Power, C. (2002). Socio-economic gradients in psychological distress: a focus on women, social roles and work-home characteristics. **Social science & medicine**, 54(5), 799-810.

- Mazure, C. M. (1995). **Does stress cause psychiatric illness?** (Vol. 46): American Psychiatric Pub.

- Menaghan, E. G. (1983). Marital stress and family transitions: A panel analysis. **Journal of Marriage and the Family**, 45(2), 371-386.

- Miller, R. B., Yorgason, J. B., Sandberg, J. G., & White, M. B. (2003). Problems That Couples Bring To Therapy: A View Across the Family Life Cycle\*. **The American Journal of Family Therapy**, 31(5), 395-407.

- Milevsky, A., Schlechter, M.J., Machlev, M. (2011). Effects of parenting style and involvement in sibling conflict on adolescent sibling

relationships. **Journal of Social and Personal Relationships**, 28(8) 1130-1148.

- Neece, C. L., Green, S. A., & Baker, B. L. (2012). Parenting stress and child behavior problems: a transactional relationship across time. **American journal on intellectual and developmental disabilities**, 117(1), 48-66.

- Osteberg, M. & Hage kull, B. (2000). "A structural Modeling Approach to The Understanding of Parenting Stress." **Journal of clinical child psychology**, 29, 615-625.

- Pittman, J.F., Llyod, S.A. (1988). Quality of family life, social support, and stress. **Journal of marriage and the family**, 50, 53-67.

- Randall, A. K., & Bodenmann, G. (2009). The role of stress on close relationships and marital satisfaction. **Clinical Psychology Review**, 29(2), 105-115.

- Repetti, R. L. (1994). Short-term and long-term processes linking job stressors to father-child interaction. **Social Development**, 3, 1-15.

- Seccombe, K., Walters, K. B., & James, D. (1999). "Welfare Mothers" Welcome Reform, Urge Compassion. **Family Relations**, 48, 197-206.

- Sekaran, U. (1985). The paths to mental health: An exploratory study of husbands and wives in dual-career families. **Journal of Occupational Psychology**, 58(2), 129-137.

- Staines, G. L., & O'Connor, P. (1980). Conflicts among work, leisure and family roles. **Monthly Labor Review**, 103(8), 35-39.

- Stella, M. (2003). "Marital satisfaction and expectations in the first and last stages of family life cycle." Unpublished Doctoral Dissertation. United States International University [On-line]. Available: [www.proquest.com](http://www.proquest.com).

- Story, L. (2005). **Many women at elite colleges set career path to motherhood**. New York Times, 20, 1.

- Story, L. B., & Repetti, R. (2006). Daily occupational stressors and marital behavior. **Journal of Family Psychology**, 20(4), 690-700.

- Tsang, L., Harvey, C. D. H., Duncan, K.A., Sommer, R. (2003). The effects of children, dual earner status, sex role traditionalism, and marital structure on marital happiness over time. **Journal of family and Economic Issues**, 24(1), 5-26.